فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc503597373)

[قانون تسریع در تربیت 2](#_Toc503597374)

[زیرمجموعه‌های تعجیل در فعل خیر 2](#_Toc503597375)

[اختصاص تسریع به خیرات در امور اخروی 3](#_Toc503597376)

[نشانه‌های بهترین کار خیر از نظر روایات 4](#_Toc503597377)

[احتمالات در باب فعل معروف 6](#_Toc503597378)

[جمع‌بندی روایات قانون تعجیل در کار خیر و کراهت در تأخیر آن‌ 7](#_Toc503597379)

[ادله خاصه قانون تعجیل در کار خیر و کراهت در تأخیر آن‌ 8](#_Toc503597380)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تدریج و تسریع در تربیت**

# اشاره

به مناسبتی که قانون اصل تدریج با بحث تسریع داشت، به مباحث اصل دیگری که در کنار تدریج قرار می‌گیرد و یکدیگر را تکمیل می‌کند، پرداخته شد.

# قانون تسریع در تربیت

ملاحظه شد که تسریع در تربیت یک قانون عام‌تر فقهی است که یک‌گوشه‌ای از آن و زاویه از آن در تعلیم و تربیت و ارشاد و هدایت جاری می‌شود، به این مناسبت به ادله پرداخته شد و در آیات شریفه قرآن، آیات مسارعه و مسابقه بررسی شد و بعدازآن به روایات رسیدیم، بیان شد که در روایات هم ابوابی وجود دارد که ناظر به مسئله تسریع در خیر و کارهای شایسته و نیکو است، همین‌طور تکثیر خیر و مداومت بر کارهای نیک ذکر شد.

یکی از عناوین در کارهای خوب، تعجیل و همچنین کراهت در تأخیر ذکر شده است، در خصوص این ادله روایی و اخبار، روایات وارده در باب بیست‌وهفت از ابواب مقدمات عبادات، جلد اول وسائل، را بررسی کردیم که سیزده روایت در متن بود و در مستدرک حدود پنج روایت در ذیل این مسئله ذکر شده بود، روایاتی که در این باب در مستدرک و متن وسائل بود، همان‌طور که مرحوم حر عاملی هم عنوان دادند، بخشی از آن به تعجیل و شتاب انجام خوبی‌ها اختصاص داشت و هم کراهت تأخیر ذکر شده بود.

# زیرمجموعه‌های تعجیل در فعل خیر

ازجمله نکات دیگر که در این روایات بود و قابل‌تأمل است، تعجیل در فعل خیر هم دوشاخه است:

1 – تعجیل در فعل خیر به نحو نوعی

2 – تعجیل در فعل خیر به نحو شخصی

«**اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَداً وَ اعْمَلْ لاِخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَداً**»[[1]](#footnote-1)، این از روایاتی هست که هم عامه و هم خاصه نقل کردند، بین شارحین روایت در عبارت «**اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَداً**»، اختلاف است و دو احتمال معنایی دارد:

1 – اینکه در بعضی از اقوال ذکر شده و مرحوم آقای مطهری این مطلب را ذکر کرده‌اند، این است که «**اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَداً**»، یعنی کار دنیایی‌ات را آن‌قدر محکم و استوار انجام بده که گویا همیشه بنا هست که زنده باشی، یعنی اتقان و احکام عمل را بیان می‌کنند، در کار حالت سستی و کسالت نباشد.

2 – احتمال دوم که خیلی از بزرگان آن را ترجیح داده‌اند، این است که گفته می‌شود برای آخرت به قرینه تقابلش تسریع بکن که شاید فرصت از دست برود، «**وَ اعْمَلْ لاِخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَداً**»، اما در دنیا به این صورت نباش، بلکه یک آرامشی داشته باش که شواهدی ذکر شده است، به یک تفصیل هر دو درست است، احتمال اول درست است، به این معنا که می‌گوید کار مشروع دنیایی را درست و محکم و به‌موقع انجام بده، معنای دیگر هم که بیان می‌کند در کار دنیا عجله مکن، در روایات ذکر شده است، اما درمجموع روایت «**اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَداً وَ اعْمَلْ لاِخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَداً**»، بیشتر با معنای دوم سازگار است، مخصوصاً قرینه تقابلی که دارد، «**اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَداً**»، در اینجا صبور باش، «**وَ اعْمَلْ لاِخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَداً**»، تقابلش احتمال دوم است که غیر فرمایش مرحوم مطهری است.

# اختصاص تسریع به خیرات در امور اخروی

درواقع تسریع به خیرات که امر مستحبی است، در امور اخروی است، هر کار دنیوی که در مسیر آخرت قرار بگیرد، همین‌طور می‌شود، اما اگر کار دنیوی باشد که در مسیر آخرت نباشد، به طور مثال امر مباحی است، قاعده تسریع در آن نیست.

در ادامه ادله روایی بر قانون تعجیل و تسریع در خیرات، باب دیگری هم هست، در آخر کتاب امربه‌معروف و نهی از منکر، ابوابی به نام فعل المعروف است.

کتاب امربه‌معروف و نهی از منکر، وسائل جلد چهارده، آخر ابواب امربه‌معروف و نهی از منکر، ابوابی را مرحوم حر عاملی، به نام ابواب فعل معروف پایه‌ریزی کردند.

چند باب در وسائل است که کتاب‌های فقهی متناسب با خودش را ندارد، ما هم در تنظیمات جدید فقهی‌مان در هشت باب جدید فقهی و کتاب جدید فقهی تعریف کرده‌ایم، بخشی از آن‌ها مربوط می‌شود به روایاتی که در چند جای وسائل آمده است، یکی کتاب العشرة است که آخر حج ذکر شده است، انواع مباحث فقهی در آن‌ها است که در این طبقه‌بندی فقهی جایگاه ندارد، یکی از ابوابی که این وضعیت را دارد، ابواب فعل معروف است، دیگری ابواب جهاد النفس است، البته جاهای دیگری هم در وسائل و بحار هست، کتاب‌هایی مهم روایی که جایگاه مناسبی در طبقه‌بندی فقه ما ندارد، بعضی از آن‌ها در اخلاق موردتوجه قرارگرفته است، درحالی‌که جنبه مهم فقهی دارد، بعضی از آن هم به صورت استطرادی ذکر شده است که یکی از آن‌ها ابواب عشرة، دیگری ابواب فعل معروف است، دیگری جهاد النفس است، یکی از چند باب مهم از ابواب روایی که این خلأ در آن محسوس است، ابواب فعل معروف، آخر کتاب امربه‌معروف و نهی از منکر است، شیخ حر عاملی استطراداً این باب را ذکر کردند، چون بحث از امربه‌معروف و نهی از منکر شده است، ابواب فعل معروف را در اینجا ذکر کردند که مباحث مهمی هم در آن‌ها مطرح است، دو باب از ابواب فعل معروف به صورت مستقیم با بحث ما ربط دارد:

1 – باب دوم از ابواب فعل معروف که یک حدیث بیشتر ذکر نشده است، عنوان باب دوم؛ «**استحباب المبادرة بالمعروف مع القدرة قبل التعذر**» است؛ وقتی کاری خوبی ایجاد شد، شتاب بگیر و آن را انجام بده، قبل از اینکه فرصت از دست برود، «**و لَيسَ كُلُّ مَن يُحِبُّ أن يَصنَعَ المَعروفَ إلَى النّاسِ، يَصنَعُهُ و لَيسَ كُلُّ مَن يَرغَبُ فيه، يَقدِرُ عَلَيهِ و لا كُلُّ مَن يَقدِرُ علَيهِ، يُؤذَنُ لَهُ فيهِ**»[[2]](#footnote-2)، اگر می‌توانید کاری را انجام بدهید، انجام بدهید، این‌طور نیست که هر کس که دوست دارد کار خوبی انجام بدهد، بتواند انجام بدهد، برای اینکه گاهی قدرت ندارد، گاهی هم قدرت دارد و توفیق پیدا نمی‌کند، لذا اگر رغبتی ایجاد شد، اقدام بکن.

# نشانه‌های بهترین کار خیر از نظر روایات

2 – مهم‌تر باب نُه از ابواب فعل معروف است، این باب شبیه آن بابی بود که در مقدمه عبادات بود، عنوان باب «**باب استحباب تصغیر المعروف و سطره و تعجیله و کراهة خلاف ذلک**»، در این باب سه مسئله ذکر شده است، برای اینکه بسیاری از روایاتی که در این باب ذکر شده، این سه مسئله را با هم آورده است.

1 - می‌فرماید که اگر کار خوب انجام می‌دهید، آن را کم بشمار، هر چه که هست، در برابر حقی که خداوند دارد، کم است.

2 – شخص تا حدی که می‌تواند کار خیرش را مستور بکند.

3 – تعجیل در کار خیر بکند.

در این باب در وسائل و مستدرک، حدود هشت روایت ذکر شده است، حدود شانزده روایت هم در مقدمه فعل عبادات ذکر شده است.

روایت اول محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیى، عن أحمد بن محمد بن عیسى، عن محمد بن خالد، عن سعدان، عن حاتم، عن أبی عبدالله علیه‌السلام «**فإنَّكَ إذا صَغَّرتَهُ عَظَّمتَهُ عِندَ مَن تَصنَعُهُ إلَيهِ، و إذا سَتَرتَهُ تَمَّمتَهُ، و إذا عَجَّلتَهُ هَنَّأتَهُ، و إن كانَ غَيرَ ذلكَ سَخَّفتَهُ و نَكَّدتَهُ**»[[3]](#footnote-3)، کار خوب تمام نمی‌شود، مگر اینکه سه چیز در آن رعایت بشود:

1 - «تصغیره»

2 - «ستره»

3 - «و تعجیله»

«**فإنَّكَ إذا صَغَّرتَهُ عَظَّمتَهُ عِندَ مَن تَصنَعُهُ إلَيهِ**»، وقتی کار خوبی انجام می‌دهید، اگر همراه منت و بزرگ‌نمایی باشد، کوچک می‌شود، اما اگر متواضعانه و با تصغیر این کار را تقدیم او بکنید، نزد او بزرگ می‌شود.

« **و إذا سَتَرتَهُ تَمَّمتَهُ، و إذا عَجَّلتَهُ هَنَّأتَهُ**»، وقتی کار خوبی انجام می‌دهید، آن را مستور کنید، « **و إن كانَ غَيرَ ذلكَ سَخَّفتَهُ و نَكَّدتَهُ**»، این روایت با چند سند نقل شده است، در خصال و من لا یحضر و در کافی نقل شده است.

روایت دوم؛ عن أحمد بن محمد بن خالد عن خلف بن حماد، عن موسى بن بکر، عن زرارة، عن حمران، عن أبی جعفر (علیه‌السلام) «**قال: سمعته یقول : لکل شیء ثمرة وثمرة المعروف تعجیل السراح**»[[4]](#footnote-4)، هر چیزی ثمره‌ای دارد و ثمره کار خوب این است که زود انجام بشود.

روایت سوم از نهج‌البلاغه است که می‌فرمایند: «**لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ وَ بِاسْتِكْتَامِهَا لِتَظْهَرَ وَ بِتَعْجِيلِهَا لِتَهْنأ**»[[5]](#footnote-5)، در مستدرک با همین مضمون روایاتی ذکر شده است، امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «**لا یتم الّا بثلاث تصغیره و تسهیله و تعجیله**»، به کوچک شمردن و آسان انجام دادن و تعجیل کردن در آن.

روایات بعدی در مستدرک با همین مضمون است: روایت چهارم و پنجم و ششم و هفتم هم به همین صورت ذکر شده است، این خبر یک حالت استفاضه‌ای دارد که تعجیل در نیکی‌ها در آن ذکر شده است.

# احتمالات در باب فعل معروف

روایاتی که در این باب از ابواب فعل معروف در باب نهم ذکر شده است، در آن دو احتمال وجود دارد:

1 – احتمال اول این است که این‌ها مخصوص به کارهای اجتماعی و کار نیک برای دیگران باشد، برای اینکه معروف در روایات ما، حداقل دارای دو اصطلاح عام و خاص است:

1 – یک اصطلاح عام معروف، یعنی هر کاری نیکی، هر واجب و مستحبی در منظومه شریعت، معروف نامیده می‌شود، این اصطلاح جاافتاده است.

2 – اصطلاح دیگر معروف به معنای کار خوب برای دیگران است، در روابط اجتماعی است، این اصطلاح اخص است، روایاتی که در این باب آمده است که سه روایت در متن وسائل و حدود هشت روایت در مستدرک ذکر شده بود، بعضی از آن‌ها هم دارای سند معتبر بود، شاید با توجه به جمع این روایات نیاز به سند نداشته باشد، ممکن است گفته شود که این روایات اطلاق دارند و به معنای عام هست و ممکن است گفته شود که مقصود قرائن خاصه است.

روایت اول ذکر شده که «**رأیت المعروف لا یتم إلا بثلاث: تصغیره و ستره و تعجیله ، فانک إذا صغرته عظمته عند من تصنعه إلیه**»[[6]](#footnote-6)، وقتی کار خود را کوچک شمردید، برای کسی که این خدمت را از تو می‌گیرد، کار مهم جلوه می‌کند، «**و إذا عَجَّلتَهُ هَنَّأتَهُ**»، این کار خیری که با سرعت انجام می‌دهید، برای آن فرد گوارا می‌شود، در این‌ها قرائنی است که این روایات اطلاق ندارد، این روایات خصوص کارهای نیک برای دیگران را در برمی‌گیرد، لذا اخص از آن می‌شود، اما روایات که در باب بیست‌وهفت مقدمه عبادات ذکر شده بود، اطلاق دارد، «**إذا هممت بخیرٍ فبادر**»[[7]](#footnote-7)، موضوع آن‌ها خیر بود و معروف نبود، بعضی از آن‌ها در خصوص عبادات بود و بعضی از آن‌ها هم اطلاق داشت، «**مَن هَمَّ بِشَيءٍ مِنَ الخَيرِ فلْيُعَجِّلْهُ، فإنَّ كُلَّ شَيءٍ فيهِ تَأخيرٌ فإنَّ لِلشَّيطانِ فيهِ نَظرَةً**»[[8]](#footnote-8)، «**إِذَا عَرَضَ شَیْ ءٌ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ فَابْدَأْ بِهِ**»[[9]](#footnote-9)، و روایات دیگر امثال این‌ها، بعضی از روایات در خصوص نماز و عبادات است.

# جمع‌بندی روایات قانون تعجیل در کار خیر و کراهت در تأخیر آن‌

جمع‌بندی ما در این روایات این است که روایاتی که در آن قانون تعجیل در کار خیر و کراهت تأخیر آمده است، بر چند طایفه است:

1 – روایاتی که اطلاق دارد، می‌گوید نسبت به هر کار خوبی، مستحب است که انسان شتاب بکند و تأخیر از آن نیز کراهت دارد.

2 – روایاتی که در خصوص خدمت‌رسانی به خلق خدا وارد شده است، کارهای نیکی که در ارتباط با جامعه و افراد و دیگران است، این قبیل روایات زیاد هستند که در باب فعل معروف ذکرشده‌اند.

3 – روایاتی که در خصوص عبادات ذکر شده است و به طور اخص در مورد نماز ذکر شده است، می‌گوید که زود عبادت را انجام بدهید.

قانون تسریع و شتاب به انجام نیکی‌ها، شامل هم واجبات و هم شامل مستحبات است، هم شامل تعبدیات و هم شامل توسلیات است، قانون عام است، اما ذیل آن روایاتی ذکر شده که در خصوص عبادات یا خدمت‌های اجتماعی ذکر شده است، بخصوص تسریع و شتاب در کارهای خدمت به دیگران، حدود دوازده روایت است که مورد تأکید قرار گرفته است.

بعید نیست که گفته شود عقل به طور مستقل حکم می‌کند به اینکه کارهای خوب باید به‌سرعت انجام بشود.

بنابراین مسئله تسریع به خیرات و کراهت تأخیر، هم ادله قرآنی و هم ادله روایی و به نحوی حکم عقل در آن منعقد است.

این قانون عام طبعاً در تعلیم و تربیت و مسائل فقه تربیتی هم جاری است، البته در ابواب دیگر فقه هم این قانون جاری است، این یک قاعده از قواعد عامه فقهیه است، قواعدی که در اینجا ذکر کردیم، با دقت چند قاعده بود:

1 – حسن و استحباب تسریع در طاعات

2 – مسابقه در طاعات

3 – کراهت تأخیر در طاعات

4 – حرمت مسارعه و مسابقه در معصیت

این قانون در تعلیم و تربیت هم جاری می‌شود، منتهی در تعلیم و تربیت که مقام خاص موردبحث ماست، این قانون هم مصداق و تطبیق پیدا می‌کند، علاوه بر این، شواهد و ادله خاصه‌ای هم در تعلیم و تربیت وجود دارد، در تعلیم و تربیت یا به طور مطلق، یا به طور خاص در بعضی از ساحات تربیت، ادله‌ای هست.

# ادله خاصه قانون تعجیل در کار خیر و کراهت در تأخیر آن‌

مقام بعدی ادله خاصه است، مثلاً در وصیت‌نامه حضرت امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی یا محمد حنفیه که نامه 31 نهج‌البلاغه است، می‌فرمایند: «**فَبادَرتُکَ بِالاَدَبِ قَبلَ اَن یَقسُوَ قَلبُکَ وَ یَشتَغِل لَبُّکَ**»، قبل از اینکه ذهنت پر بشود، می‌خواهم حق را در آن قرار بدهم، بذر حق را در آن بیافشانم، این روایت در خصوص تعلیم و تربیت است، چیزی که از این روایت استفاده می‌شود، استحباب است، گرچه شاید احتمال داده شود که «**قَبلَ اَن یَقسُوَ قَلبُکَ وَ یَشتَغِل لَبُّکَ**»، قرینه بر این است که اقدام سریع ‌تربیتی حداقل در بعضی موارد واجب است، اما این قول خیلی دشوار است که گفته شود وجوبی در اینجا هست، اما استحباب مؤکد از این روایت به دست می‌آید، این سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام هست که خودشان تأکید می‌کنند و قرائن رجحانی در آن هست.

دلیل دیگر «**بادروا احداثکم بالحدیث قبل ان تسبقکم الیهم المرجئه**»[[10]](#footnote-10)، زودتر احادیث ما را به جوان‌ها آموزش بدهید، قبل از اینکه دیگران(مرجئه) ذهن آن‌ها را بربایند.

در خصوص بعضی از مسائل تربیتی دیگر هم ذکر شده است، مثل ازدواج، مخصوصاً نسبت به دختران که می‌گویند تلاش بکنند که سریع‌تر ازدواج بکنند.

اگر این موارد هم نباشد، اما قانون تسریع در تعلیم و تربیت طبعاً جاری می‌شود.

تقریباً قانون‌های فقهی تسریع و مسابقه و سرعت که پایه‌شان استحباب مؤکد است، تدوین کردیم، اما نسبتش با تدریج و قواعد دیگر آن را ان‌شاءالله بیان می‌کنیم.

1. - مستدرك الوسائل ج1 ص146. [↑](#footnote-ref-1)
2. - الكافي : ۴/۲۶/۳. [↑](#footnote-ref-2)
3. - الكافي : 4/30/1. [↑](#footnote-ref-3)
4. - وسائل‌الشیعه ج 16، باب 9. [↑](#footnote-ref-4)
5. - نهج‌البلاغه حکمت 97. [↑](#footnote-ref-5)
6. - وسائل‌الشیعه، ج 16، باب 9. [↑](#footnote-ref-6)
7. - الکافی، ج 3، ص 212. [↑](#footnote-ref-7)
8. - الکافی ۲/۱۴۳/۹. [↑](#footnote-ref-8)
9. - الأمالی (للمفید) / النص / 221 / المجلس السادس و العشرون. [↑](#footnote-ref-9)
10. - کافی، ج 6، ص 47. [↑](#footnote-ref-10)